

امتحان

تحریم مطلق کار کردن ، گردش ، تفریح و مسافرت هم درد را درمان نمی کند . تمام روزهای تابستان را هم با کتاب مشغول شدن یا در آموزشگاه گذراندن آثار نامطلوبی برای سال تحصیلی آینده خواهد داشت .

تجدیدی در امتحان

اگر کارنامه‌ها را هنوز ندیده‌ایم در برخورد با آن نباید پدر و مادر بودن را فراموش کنیم و مثلاً " داشتن چند نمره ضعیف یا تجدیدی را موجب سرزنش و تحقیر فرزندان بدانیم .

سید ضیاء الدین
صدری



" أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا
" آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ "

ی ۲ سوره العنکبوت

سخنم را با این آیه مبارکه از قرآن مجید آغاز کردم تا فراموش نکنیم که همه ما دائما " و در همه حال مورد آزمایش هستیم نه تنها از لحاظ طرز فکر، عقیده و رفتار بلکه از لحاظ اعمال ظاهری مانند نشستن، غذا خوردن و لباس پوشیدن هم. چون امتحان سنت الهی است. غالبا " وقتی لفظ امتحان را می شنویم مدرسه معلم، درس و آخرسر، مدرک تحصیلی در ذهن ما خطور میکند، کم و بیش خاطرات گذشته را به یاد می آوریم. امتحانات دوران تحصیلی را

بنظرم مشکل از همین جا شروع میشود که می گوئیم " امتحان میگیریم " و نمیگوئیم " دانش - آموز امتحان می دهد ". این هم یکی از نارسائیهای سیستم آموزشی ما که هنوز اکثریت دانش آموزان حتی در دوره های بالاتر تصور میکنند درس را برای معلم میخوانند یا بخاطر والدین خود به مدرسه میروند. این درد نیز از خانه شروع میشود و در مدرسه ادامه می یابد. چرا کودک یا نوجوان " دانستن " را ارج نهد سعادت خود را در دانش اندوزی نداند و خود از آن استقبال نکند؟ خود دوستی - نه خود پرستی - لازمه دوام زندگی فرد و حتی جامعه است و هر انسانی در وهله اول وظائفی نسبت به "خود" دارد و بعد از طی مدارجی از کمال، متعلق به جامعه میشود و دارای وظایفی در قبال آن. بنابراین در حقیقت، دانش آموز است که امتحان میدهد و اگر معتقد باشد که آنچه را یاد میگیرد برای بهتر زیستن فردای خود به آن نیاز دارد و چنانچه ناقص یاد بگیرد زندگیش نیز ناقص خواهد داشت، کوشش میکند خوب یاد بگیرد و به معلومات خود اطمینان پیدا کند و وسیله حصول این اطمینان فقط امتحان است. پس امتحان وسیله ارزیابی کمی و کیفی معلوماتی است که هر کس برای پایه ریزی زندگی فردی و اجتماعی فردا کسب میکند و بدان نیاز دارد و برای نفهم این موضوع به دانش آموز، معلم و والدین اونقش مهمی به عهده دارند.

از چه روشهایی استفاده کنیم؟

"امروز میگذرد فردا در امتحان چه کار خواهی کرد؟"، "امتحان که بازیچه نیست،" امتحانات

با ترس و لرزه ایست، با امید و یاه سهایش از نظر می گذرانیم و شاید هنوز هم بعد از سالها آثار آن در سیمای ما که خطوط زمان بر آن نقش بسته آشکار میشود ولی از امتحانی که پیوسته ایام در معرض آن قرار داریم غافل هستیم؛ چگونه زندگی میکنیم؟ نحوه برخورد ما با اطرافیان و سایر افراد جامعه چیست (آیا وظیفه خود را در قبال " خود " خالق متعال دین، خانواده و کشور خود درک میکنیم و خوب انجام میدهیم؟ بالاخره باید دانست اینها هم درسهائی است که خداوند بزرگ در اصل به ما آموخته و توفیق تکمیلش را از طریق تعلیم و تربیت عطا کرده است.

بلی هر کس که در یک امتحان شرکت میکند باید درس مربوط را خوانده باشد و کسی که چیزی را یاد میگیرد باید امتحان آن را بدهد و اگر به مفهوم پرمعنا وانگیزنده سخن قرآن - " آیا کسانی که میدانند با آنان که نمیدانند برابرند؟ " توجه داشته باشیم و " دانش " را از معیارهای اصیل ارزش وجودی انسان بدانیم باید همیشه از "آزمایش" استقبال کنیم و اگر هم امکان آن نباشد که دیگران ما را امتحان کنند، گاه به گاه " خودآزمایی" کنیم و این خود از مراتب شایستگیهای انسان به شمار میرود.

از این مقوله می گذریم. همانطور که اشاره کردم لفظ امتحان، ذهن ما را به مدرسه و درس رهنمون میشود. گرچه در مدرسه هم - اگر آموزش و پرورش خوب مورد نظر باشد - باید علاوه بر مواد درسی، رفتار، شخصیت، هوش و حافظه دانش آموزان مورد آزمایش قرارگیرد، با این حال امتحانی را بررسی میکنیم که از نظر همگان شناخته شده است.

دنبال دارد تابسامانی فکری و رفتاری دانش — آموز است. در نظر او معلومات اهمیت ندارد و هدف، گذراندن امتحان است نه دانش‌اندوزی. به هر شکلی باید نمره آورد، یادگرفتن ضرورتی

بزدیک میشود و شما هنوز در خوابید"، "خوب گوش کنید امروز برنامه امتحانات را اعلام می کنیم"، "روزهای امتحان نیم ساعت زودتر باید در مدرسه حاضر شوید، آوردن وسایل



ندارد. همین نظریه سبب میشود که اگر با چشم و گوش تن، معلم را می بیند و صدای او را می شنود، چشم و گوش خیالش غول وحشتناک امتحان را می نگرد و طنین هول انگیز مقررات آنجنانی را میشوند. راه امتحان دادن را یاد میگیرد نه کسب معلومات را. ماهها به غفلت میخوابد و شبهای امتحان را با نگرانی بیدار میماند. روزهای معلومی در مدرسه خرسک میبازد و ایام امتحان به دیگران می تازد یا مضطرب و رنگ پریده به مرده متحرک میماند. در جلسه امتحان هم فکرها پریشان، چشمها لغزان و انگشتها لرزان، چه بسادانش آموزانی

لطفا "ورق بزنید

اضافی، کتاب و جزوه به جلسه امتحان قدغن است، سکوت و نظم کامل را باید درجلسات امتحان رعایت کنید"، "خیال نکنید که اینجا هم کلاس درس است، هیچکس حق ندارد راست و چپ و پشت سرخود را نگاه کند یا چشمش را بلغزاند، سرتان باید پائین باشد".

اینها شمای از نوع برخورد اولیای مدرسه بامساءله امتحان بوده — انشاءالله امروزه چنین نباشد — البته نحوه برخورد والدین دانش — آموز دست کمی از این ندارد: "هی بخواب و بازی کن، بالاخره کارنامهات را خواهیم دید" "بااین وضع محال است از امتحان قبول بشوی"... طبیعی است آنچه این شعارها و تلقینات به

که پاسخ خوبی به سوالات می‌دهند و درحقیقت آنچه را طوطی وار به ظرف! حافظه ریخته‌اند - که بطور حتم ارزش آموزشی ندارد - روی‌ورقه امتحانی جاری میکنند هم از دست مدرسه و معلم راحت‌میشوند، هم از آزار کتاب و معلومات! مینویسند ویلیام جیمس استاد روانشناسی و فلسفه با شاگردانش خیلی‌انس داشت روحیه‌شوخ و بذله‌گوی او گاهی بر مقام استادیش پیشی میگرفت. یکی از شاگردانش در امتحان نهائی ورقه خود را سفید رد کرد و در آن نوشت: "پروفیسور عزیز، جیمس حقیقت این است که میل ندارم امتحانم را بگذرانم."

بلی، او هنوز از درس و کلاس جیمس لذت میبرد و اگر امتحان را بگذرانند، دیگر از این موهبت محروم خواهد ماند. ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا...
چه باید کرد؟

چند سال پیش یکی از شاگردانم به علت ناخوشی، در جلسه امتحان داخلی درس روانشناسی حاضر نشده بود. روزی را توافق کردیم که امتحانش را بگذرانند. روز موعود، موضوع امتحان را به من یادآوری کرد. در حالی که آرام آرام با همدیگر در راهرو قدم میزدیم پرسیدم: درستان را خوب خوانده‌اید؟ جواب مثبت داد. گفتم آفرین، مثلاً بگوئید ببینم علم روانشناسی چه فوایدی دارد؟ پاسخ داد. سوأل دیگر مطرح کردم و او جواب گفت. بدین ترتیب چند دقیقه در حال قدم زدن، سوأل و جواب داشتیم. زنگ کلاس بصدا درآمد. گفت آقا من چه ساعتی باید امتحان بدهم؟ گفتم مگر باز هم میخواهید امتحان بدهید، شما

که سوالات مرا خوب جواب دادید و معلوم شد که خوب یاد گرفته‌اید و همین امتحان شما بود. هر کدام خوشحال بدنبال کار خود رفتیم. در یک مورد دیگر، دانش آموزانم در کلاس به سوال کتبی جواب میدادند به اصطلاح، فصل امتحانات بود. مدیر مدرسه وارد کلاس شد و به دانش آموزی که کتاب روی میزش بود اعتراض کرد که من حرفی بزنم، دانش آموزم شدیداً ناراحت شد و گریه کنان پاسخ داد: حتی اگر کتاب باز باشد ما به آن نگاه نمی‌کنیم، شما چراتوهین میکنید؟

نمیخواهم بگویم همه مقررات مدون و عرفی را بهم بزنیم لکن نباید فراموش کرد که هر کاری یک روش صحیح دارد و غفلت از آن یا خدای ناکرده بی‌اعتنائی به آن ما را فرسنگها از هدف اصلی دور خواهد کرد و اگر آن کار مربوط به غیر خود و مخصوصاً جامعه باشد نتیجه‌اش کمتر از خیانت نخواهد بود. ممکن است چند صباحی به تظاهر بگذرانیم و دیگرانی، مصلحتی تعظیم و تحسینمان کنند اما بالاخره سوأل وجدان و محاسبه الهی چه میشود؟ پس باید صادقانه و محققانه در جستجوی روشهای صحیح بود و در جهت تنظیم و تدوین مقررات مطلوب و زیبا حرکت کرد. آخر باید بپذیریم و صمیمانه به دانش آموزان تفهیم کنیم که درس خواندن برای امتحان دادن نیست بلکه امتحان فقط وسیله ارزیابی معلومات است و چون معلومات متنوع، لازمه زندگی سعادت بار می باشد بنابراین ذوق و شوق امتحان دادن حتی خودآزمائی را باید در آنان برانگیخت و اگر "زمنه محبتی" دانش آموز را در روزهای درس - جمعه فدای سر معلم - به مدرسه فرا خواند شرکت در امتحان هم تالی و نتیجه خوشایند

موجب سرزنش و تحقیر فرزندان بدانیم .
 بعید نیست که این پیش آمد، نتیجه بی توجهی
 ما در طول سال تحصیلی بوده؛ نمرات
 امتحانات داخلی را خوب مورد توجه قرار
 نداده ایم، در جلسات عمومی انجمن اولیاء و
 مربیان حضور نداشته ایم، دعوت فردی مدرسه
 را به بهانه "گرفتاری" نپذیرفته ایم، حرفها و
 درد دلهای فرزندان را گوش نکرده ایم و... اگر
 چنین بوده باید قبول کنیم "ازماست که برماست"
 و فرزندان مستحق سرزنش نیست.

از طرف دیگر باید دانست که تحریم مطلق
 کارکردن، گردش، تفریح و مسافرت هم درد را
 درمان نمیکند. تمام روزهای تابستان را هم با
 کتاب مشغول شدن یا در آموزشگاه گذراندن آثار
 نامطلوبی برای سال تحصیلی آینده خواهد داشت
 فقط یک برنامه ریزی صحیح - در صورت نیاز
 با مشورت متخصصان - میتواند غفلتهای گذشته
 را از ناحیه هر کس بوده جبران کند و در
 صورت دقت، راهنما و عبرت خوبی نیز برای
 آینده باشد. انشاء الله.

آن خواهد بود. وقتی به خدای خود استغاثه
 میکنیم که: "ربنا و لاتحملنا مالا طاقه لنا به.."
 سؤالات امتحانی را هم خارج از محدوده طاق
 شاگردان، طرح نمیکنیم. از طرح سؤالات پیچیده
 نامفهوم و مبهم پرهیز میکنیم، وسعت محتوای
 درسی را از نظر دور نمیداریم، پاسخهای "بلی"
 یا "خیر" را کافی نمیدانیم، "مراقبت" را با اهانت
 و شکنجه روحی، عوضی نمی گیریم و...

انجام امتحانات متناوب کلاسی، امر امتحان
 را در نظر دانش آموزان، معمولی و عادی جلوه
 میدهد و آنها در امتحانات رسمی، یکبار با
 وضع شگفت آور و هراس انگیز روبرو میشوند.
 اگر ورقه امتحانی دانش آموز را بعد از تصحیح
 امکاناً در اختیارش بگذاریم و توضیح بدهیم
 اولاً میفهمد که ارزشیابی معلم از روی بی نظری
 انصاف و عدالت صورت گرفته - که این خود
 لازمه اثر بخش بودن تعلیم و تربیت است -
 ثانیاً "نواقص کار خود را در می یابد و دیگر بار
 تکرار نمیکند.

چقدر خوب است که ما هم (معلمان و والدین)
 معلومات تاریخی خود را محدود به موارد عامل
 کشتار استعدادها و تلقین ضعفها نسازیم و
 داستانهای نظیر: "نابلئون بناپارت میگفت من
 از بزرگترین میدانهای جنگ نمیترسیدم ولی از
 جلسه امتحان وحشت داشتم." را رویوش
 ناتوانیهای خود قرار ندهیم.

سخنی با والدین

اکنون امتحانات آخر سال فرزندانمان پایان
 رسیده اگر کارنامهها را هنوز ندیده ایم دربرخورد
 با آن نباید پدر و مادر بودن را فراموش کنیم و
 مثلاً "داشتن چند نمره ضعیف یا تجدیدی را

